



غلامرضا گلی زواره

راه رهایی

از بین رفتن منکرات و آفتها می شود.
 به عبارت دیگر، بین جنبه های
 نفسانی و ملکوتی در وجود آدمی،
 یک نبرد دائمی وجود دارد، استقلال
 جوهر انسانی، موقعی به دست می آید
 که در این کشمکش بر تمایلات
 درونی و گرایشهای حیوانی و خاکی
 غلبه یابد. بدیهی است آن آزادگان و
 وارستگانی که قلعه های ایمان و
 معنویت را پیموده اند، نمی توانند با
 افرادی به تفاهم برسند که سر در
 آخور دنیا و هوسهای خویش فرو

انسان به طور فطری میل به کمال
 دارد و هر چه از وابستگیهای محیط
 زیستی و اجتماعی بکاهد می تواند
 این مسیر را راحت تر و مطمئن تر طی
 کند، وضع جدید به او یک نوع
 وارستگی می دهد که همان آزادی
 معنوی است. در این حالت، وابستگی
 به ارزشهای الهی در وجودش به
 شکوفایی می رسد و از موضع ایمان و
 پارسایی با استقلال و تاثیرگذاری بر
 محیط و جامعه، سبب رشد فضیلت و

برده‌اند و بین این دو یک تضاد واقعی شکل می‌گیرد که به تعبیر قرآن کریم منجر به نبرد حق با باطل می‌شود. کسی که ندای قرآن را پذیرفته، جز خداوند متعال هیچ قدرتی را نمی‌پرستد، تا آنجا که علیه تمایلات خویش قیام می‌کند تا خود را از هر گونه اسارتی برهاند. بزرگ‌ترین برنامه انبیاء و اولیای الهی اعطای چنین آزادی معنوی به انسانهاست و اصولاً هدف تزکیه نفس که جهاد اکبر است، باز کردن زنجیرهایی است که روح، فکر، ذهن و دل را در بند می‌کشند: سلوک راه عشق از خود رهایی است نه طی منزل و قطع مسافتات^۱ علامه شهید آیت الله مطهری^۲ در این باره گفته‌اند:

که آزادی اجتماعی را تامین کنند و با انواع بندگیها و بردگیهای اجتماعی و سلب آزادیهایی که در اجتماع هست مبارزه کنند... [البته آنان] آمده‌اند تا علاوه بر آزادیهای اجتماعی به بشر آزادی معنوی بدهند... که بیشتر از هر چیز ارزش دارد و این است درد جامعه بشری که می‌خواهد آزادی اجتماعی را تأمین کند؛ ولی به دنبال آزادی معنوی نمی‌رود، یعنی نمی‌تواند، قدرتش را ندارد؛ چون [آن را] جز از طریق نبوت، دین و ایمان تأمین نمی‌توان کرد... بشر باید در ناحیه وجود خودش، در ناحیه روح خودش آزاد بشود تا بتواند به دیگران آزادی بدهد...»^۲

انقلاب حقیقی، آن است که از یک پایگاه اقتصادی همانگ با

برده‌اند و بین این دو یک تضاد واقعی شکل می‌گیرد که به تعبیر قرآن کریم منجر به نبرد حق با باطل می‌شود. کسی که ندای قرآن را پذیرفته، جز خداوند متعال هیچ قدرتی را نمی‌پرستد، تا آنجا که علیه تمایلات خویش قیام می‌کند تا خود را از هر گونه اسارتی برهاند. بزرگ‌ترین برنامه انبیاء و اولیای الهی اعطای چنین آزادی معنوی به انسانهاست و اصولاً هدف تزکیه نفس که جهاد اکبر است، باز کردن زنجیرهایی است که روح، فکر، ذهن و دل را در بند می‌کشند: سلوک راه عشق از خود رهایی است نه طی منزل و قطع مسافتات^۱ علامه شهید آیت الله مطهری^۲ در این باره گفته‌اند:

«... یکی از مقاصد انبیاء این است

۲. آزادی معنوی، شهید آیت الله مطهری، صدرا، تهران، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۰ش، ص ۲۰-۲۳.

۱. مثنوی معنوی، مولوی، تصحیح نیکلسون، طلوع، تهران، ۱۳۵۸ش، دفتر ۵، بیت ۱۵۰۴.

آفرینش و سرشت انسانی، علیه خواسته‌های حیوانی آغاز شود؛ این مبارزه از مرزهای مادی، اقتصادی، سیاسی و طبقاتی بالاتر می‌رود، در عین حال عرصه‌های مزبور را اصلاح می‌کند و پیش می‌رود؛ ولی به آنها اکتفا نمی‌کند.

یکی از روشنفکران معاصر که گرایش‌های سوسیالیستی و مادی، در آثار و خاطراتش هویداست اعتراف می‌کند:

«پیش از تحولات اخیر، چنین به نظر می‌رسید که در جامعه ما دو نیروی بزرگ وجود دارد: اقتصاد و سیاست، سرمایه و قدرت، زر و زور و مظاهر آنها یعنی تکنوکراسی و بوروکراسی لکن در عرض چند هفته بر همه کس آشکار شد که در بطن جامعه ما نیرویی بسیار گسترده‌تر، ژرف‌تر، پر تحرک‌تر و قدرتمندتر از آن دو وجود دارد که می‌تواند علی

رغم تمام تلاشهای دو نیروی دیگر، اکثریت مطلق را به دنبال خود به حرکت در آورد و تمام کوششهای آن دو نیروی دیگر را با نومیدی و ناکامی رو به رو سازد و تحت الشعاع حرکت نیرومند خویش قرار دهد...»

وی خاطر نشان می‌کند: «... مارکسیستهای جزمی، مذهب را به مثابه افیونی برای مردم، تخدیر کننده توده‌ها و مانع و رادع جنبش انقلابی آنها معرفی می‌کنند...؛ اما تاریخ از

یک سو، پژوهشهای گسترده جامعه شناسان از سوی دیگر، بطلان این عقیده را ثابت کرده است...»^۱

انقلاب اسلامی پیوندی عمیق با عقیده و ایمان دارد و هیچ پیوند دیگری را بر نمی‌تابد، استاد شهید مطهری رحمته‌الله می‌نویسد: «شرط ایمان انقلابی، سوختن همه پیوندها در آتش

۱. تحلیلی علمی از وضع کنونی [نهضت ایران]، انورخامه ای، مجله نگین، ش ۱۶۱، ص ۱۶.

نارضایتی و خشم از وضعی و طلب وضعی بهتر دیده می‌شود؛ البته اگر این ناراحتی و نفرت با انکار و نفی، قرین نشود، تحولی صورت نمی‌گیرد. تعلیمات اسلامی، قوت و جامعیتی دارد که این ویژگی را در متن خود جای داده است. وجود عناصر حیاتبخشی چون هجرت، جهاد، دفاع، امر به معروف و نهی از منکر، پیوستگی حماسه و عرفان، تفکیک ناپذیر بودن بین دین و سیاست و عدم سازش با ستم و نبرد با بی‌عدالتی در فرهنگ اسلامی و مکتب تشیع می‌تواند به عنوان نیرویی پر قدرت، مفید و انقلابی، پیروان خود را برای دگرگون کردن وضع جامعه‌ای که گرفتار ظلم، فساد، انحراف، استضعاف و استثمار است، مصمم کند.

«علامه محمد اقبال لاهوری،»

متفکر مسلمان و اهل پاکستان در

پیوند انقلاب است، این است معنای توحید و انقلاب توحیدی، این است معنای اخلاص واقعی.

عشق از اول سرکش و خونی بود تا گریزد هر که بیرونی بود^۱ انقلاب معنای دگرگونی و زیرو رو شدن را می‌رساند و آن تغییر بنیادی در جامعه است. در واقع توسط این عامل که توأم با شدت و سرعت و نوعی هیجان، عصیان، انکار، نفی و طرد است، عده‌ای، علیه گروهی دیگر که نظم موجود قائم به آنهاست و نوعی سلطه همراه با زور و عنف و اختناق بر جامعه حاکم کرده‌اند، قیام می‌کنند و نظام سیاسی موجود را برای جایگزین کردن نظامی بهتر و با شرایط مطلوب‌تر، برهم می‌زنند.

بنابر این در انقلاب، یک نوع

۱. یادداشت‌های استاد مطهری، صدرا، تهران،

۱۳۸۵ش، ج ۱۰، ص ۶۶.

سروده ای گفته است:

نقش قرآن چون که در عالم نشست
نقشه‌های پاپ و کاهن را شکست
چون که در جان رفت، جان دیگر شود
جان چو دیگر شد، جهان دیگر شود
شهادت آیت الله مطهری رحمته الله علیه
فرموده‌اند:

«توحید اسلام، نفی و اثبات است،
کفر به طاغوت و ایمان به الله است،
از این جهت ایمان اسلامی یک ایمان
انقلابی است، طغیان علیه نظم
طاغوتی حاکم بر روح و بر جامعه
برای برقراری نظم الهی بر روح و یا
بر جامعه...»^۱

خیزشهای مردمی علیه وضع
موجود خود، سنت الهی هستند. تغییر
و تکامل در ملتها و اقوام باید به
دست خودشان انجام شود، نیرو باید
از خود جامعه پدید آید و باعث
دگرگونی در وضع موجود شود. قرآن

می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۲ «خداوند چیزی را
که از آن مردم می‌باشد دگرگون نکند،
مگر آنکه خودشان عوض شوند.» در
آیه دیگر آمده است: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا
عَلَىٰ الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا»^۳ «و
اگر بر طریقه راست، پایداری کنند از
آبی فراوان سیرابشان کنیم.»

قرآن آن پایداریهایی را می‌پذیرد
که بر اساس ایمان و تقوا باشد.
این گونه مقاومتها ضمن آنکه برکات
معنوی دارد، باعث فزونی ارزاق
مادی، وفور نعمت و آبادانی می‌شود.
برخی گفته‌اند منظور از این راه
مستقیم، عدالت محوری است، و اگر
تلاشهای عادلانه پی‌گیری شود
شکافهای اجتماعی، اسراف، تبذیر،
احتکار، رباخواری و هر گونه
نارسایی اجتماعی و اقتصادی از بین

۲. رعد/ ۱۱.

۳. جن/ ۱۶.

۱. همان، ص ۷۳.

می‌رود و جامعه به یک سلامتی متعادلی می‌رسد. بیداری اسلامی که در کشورهای شمال آفریقا در حالت وقوع است چنین وضعی دارند.

تداوم مبارزه در سیره پیامبران و

ائمه هدی علیهم‌السلام

پیامبران می‌کوشیدند نیروهای فطری بشر را بیدار کنند و شعور مرموز و جاذبه‌های پنهان وجود انسانها را مشتعل نمایند. این فرستادگان الهی که به نیروها تحرک و سامان می‌دهند، کوششان صرفاً در جهت ساختن فرد و جامعه انسانی است.

تاریخ زندگی و قیام رسولان الهی

آکنده از مبارزات مستمر با ناهمواریهای اجتماعی و سیاسی آکنده است. هرگاه پیامبری برانگیخته می‌شد و انقلابی را در جهت بهبود وضع زندگی مردم و مبارزه با تبعیضها و طاغوتها آغاز می‌کرد، ملأ (اشراف) و مترف (رفاه زده) و تمامی

کسانی که منافعشان در حفظ وضع موجود بود، در برابرش صف می‌بستند؛ اما آنان که طعم تلخ محرومیت، ستم و استضعاف را چشیده بودند، پروانه‌وار گرد پیامبران حلقه می‌زدند و علیه متجاوزان به حقوق انسانها و اهل باطل می‌جنگیدند.

بنابراین همچنان که تعالیم انبیاء در عده‌ای جاذبه ایجاد می‌کند، برای زیاده‌خواهان و هر فردی که به دنبال ارزشهای بیهوده و پوچ بود، دافعه به وجود می‌آورد؛ چون این عوامل، آنها را از اهدافشان باز می‌داشت.

پیامبران برای احیای دینت، برقراری عدالت و از بین بردن نابرابریها، رنجهای فراوانی تحمل کردند و سخت‌ترین شکنجه‌ها را به جان خریدند.

امام خمینی در این باره فرمودند: «در طول تاریخ از زمان آدم علیه‌السلام تاکنون

از طرف خدا فرستاده شد تا انسانها را به فضیلت، شرافت و تقوا دعوت کند؛ اما ملاحظه کرد سد و مانع برای رسیدن به قله سعادت؛ شرک، بت پرستی و ستم است، از اینرو در اولین فرصت کوشید زنجیرهای خرافات و اوهام را از خرده‌های خفته مردم بردارد. او با ایمانی استوار، وارد کارزار شد و با تمامی افکار باطل به مبارزه برخاست، مخالفان در برابرش صف آرایی کردند؛ ولی اینها کوچک‌ترین خللی در عزم او وارد نساخت. امام خمینی علیه السلام می‌فرمایند:

«... تمام بت شکنیها و مبارزات حضرت ابراهیم علیه السلام با نمرودیان و ستاره پرستان، مقدمه یک هجرت بزرگ و همه آن هجرتها و تحمل سختیها و سکونت در وادی غیر ذی زرع و ساختن بیت و فدیه اسماعیل، مقدمه بعثت و رسالتی است که در آن، ختم پیام آوران سخن اولین و

ملاحظه می‌کنید که تمام انبیا و تمام اولیاء و تمام بزرگان دین در مقابل ظلم ایستاده‌اند و صدمه دیده‌اند، ایستاده‌اند و با آتش آنها را سوزانده‌اند و با اره آنها را دو نیم کرده‌اند.»^۱

«فریادهای کوبنده علیه دستگاه جبار و چپاولگر برای به پا داشتن حکومت عدل اسلام است که کوشش در این راه، اعظم عبادات است و فدایی دادن در راه آن، سیره انبیای عظام خصوصاً نبی اکرم صلی الله علیه و آله و وصی بزرگ او امیر مؤمنان علیه السلام است.»^۲

حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام قیام کرد تا زمامداران خودسر را از اوج به زیر افکند و عملیات وحشیانه آنان را کنترل کند و جامعه عصر خویش را از تشویش و نگرانی بیرون آورد. او

۱. تبیان، دفتر دوازدهم (سیمای معصومین از دیدگاه امام خمینی علیه السلام)، عروج، تهران، چاپ اول ۱۳۷۵، ص ۲۳.

۲. همان، ص ۵۱.

آخرین بانیان و مؤسسان کعبه را تکرار می‌کند و رسالت ابدی خود را ابلاغ می‌نماید...^۱

اخلاق ملتی که همواره در جبر و استبداد زندگی می‌کند و اسیر ستمکاری است، به تباهی می‌گراید و رفته رفته این روند نگران کننده با روح و روان افراد عجین می‌شود، قوم بنی اسرائیل نیز چنین وضعی داشتند؛ چرا که فراعنه مصر، آنها را به فساد، خواری و زبونی کشانیده بودند؛ از این رو وقتی موسی علیه السلام ایشان را به پیکار در سرزمین فلسطین دعوت کرد از فرمانش سر پیچی کردند و به کیفر سرگردانی چهل ساله در صحرای خشک سینا رسیدند تا روحیه فاسد آنان دشواریهای زندگی جدید را دریابد و اعتماد به نفس در ایشان به وجود آید.

سرانجام باطل مغلوب حق شد و

کوشش ملتهای مستضعف به نتیجه رسید و خداوند برآنان منت نهاد که وارثان زمین شوند. البته ایمان قوم موسی علیه السلام و پیکار آنان در برابر آزار فرعون در این راستا بسیار راهگشا بود. آنان به خاطر شکستهای آنی و گذرا، شکنجه‌ها، کشتارها و دشواریهای فرعونیان از پای ننشستند و به پیکار خویش ادامه دادند. آنان با هدایت و رهبری موسی علیه السلام امیدوار شدند که خداوند دشمنان آنان را به هلاکت می‌رساند و فرجام سرکشی فرمانروایان و ستم آنان، شکست و ذلت شد. امام خمینی رحمته الله علیه به این ماجرا اشاره دارد:

«... حضرت موسی علیه السلام با یک عالم قدرت و اراده بر ضد قدرت بزرگ فرعون قیام کرد و فرعون را از بین برد، قدرت الهی و توجه به مصالح مستضعفین در قبال متکبرین که اولش فرعون بوده، قیام بر ضد متکبرین،

۱. همان، ص ۶۹.

طریقه حضرت موسی علیه السلام بوده است.^۱ در هنگامه‌ای که بشریت در جهالت زندگی می‌کرد و ظلمت همه جا را فرا گرفته بود، رسول اکرم صلی الله علیه و آله از افق توحید طلوع کرد و جهانی را به نور معرفت خود که پرتوی از انوار الهی بود، روشن ساخت. آن حضرت با بینش ملکوتی به سازندگی انسان و اصلاح محیط خفقان آور پرداخته و عرصه تلاش خویش را گسترش داد، مشرکان، ملحدان و مغرضان خفاش صفت، تحمل این پرتوافشانی را نداشتند، در نتیجه درصدد برآمدند شیفتگان حق را از چنین بارقه‌ای محروم کنند؛ از اینرو کارشکنیها، شکنجه‌ها و تحریمهای اقتصادی آنان آغاز شد؛ اما بر خلاف این وضع جانکاه و رقت بار با مجاهدت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهتمام یارانش و رشادت و فداکاری سربازان نامی اسلام، آیین حیات بخش اسلام، مرزهای عربستان را در نوردید و به دیگر نقاط جهان رسید. برای ملت‌های دیگر که زیر شکنجه و استعمار قدرتهای تحمیلی و حکومت‌های فاسد لحظات پر رنج و آکنده از تشویش را سپری می‌کردند هیچ نوایی پر شورتر از نغمه اسلام نبود و تعالیم این آیین، چون مشعلی فروزان قلوبشان را روشن و دل ستمگران را به لرزه در آورد. امام خمینی رحمته الله علیه می‌گوید:

«این صراط مستقیمی را که انبیا جلو راه بشر گذاشتند و نبی اکرم، آخرین انبیا و اشرف همه، آن راه را جلو مردم گذاشت و مردم را دعوت به این صراط مستقیم کردند و هدایت کردند به راه انسانیت و خروج از همه انحای کفر و الحاد و خروج از همه ظلمات به نور مطلق، باید شما جوانها همان راه را ادامه دهید...»^۲

۱. همان، ص ۷۵.

۲. همان، ص ۱۱۴.

حضرت علی علیه السلام پس از بیست و پنج سال بر کناری از رهبری امور مسلمانان، در رأس جامعه اسلامی قرار گرفت، آن حضرت در زمامداری، روش پیامبر صلی الله علیه و آله را به کار بست و غالب تغییراتی را که بعد از پیامبر به وجود آمده بود به حال اول برگردانید. آن حضرت، کارگزاران نالایق را از کار بر کنار و در واقع، یک نهضت انقلابی را آغاز کرد و از این رو گرفتاریهای بسیاری در برداشت. امام در نخستین روزهای خلافت خطاب به مردم فرمود:

«آگاه باشید گرفتاری که شما مردم هنگام بعثت پیامبر خدا داشتید امروز به سویتان باز گشته و دامن گیرتان شده است، باید درست زیر و رو شوید، صاحبان فضیلت که عقب افتاده‌اند پیش افتند و آنان که به ناروا پیشی می‌گرفتند عقب افتند.»^۱

امام به روش انقلابی خود ادامه داد؛ اما عناصر مخالف که منافع خویش را در خطر دیدند از هر سو سر به مخالفت بر افراشتند و جنگهای داخلی خونین بر پا کردند که تقریباً در تمام دوران زمامداری حضرت علی علیه السلام ادامه داشت. عاملان این نبردها جز هوسها و امیال شخصی و گروهی، منظوری نداشتند و البته برای پیشرفت کار خود دستاویزهای عوام فریبانه‌ای را مطرح می‌کردند. آنان تحمل عدالت، حق‌طلبی و فضیلت پروری امیرمومنان علیه السلام را نداشتند و به همین علت، جنگ جمل، صفین و نهروان را به آن وجود مبارک تحمیل کردند و سرانجام او را به شهادت رسانیدند.

فشارها و سخت‌گیریهای امویان ادامه یافت و شیعیان آن حضرت در تنگناهای شدیدی قرار گرفتند، شیعیان حضرت، رنجی عظیم و بلایی

۱. نهج البلاغه، خ ۱۶.

این ستیز عظیم راهی دشوار در پیش دارد و یاران فداکار و با ایمان و واجد خصال فداکاران راستین می‌خواهد. موج این انقلاب جهانی فراگیر است؛ اما پیروزی به آسانی حاصل نمی‌شود. حضرت امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«این پیروزی جز در غرقاب خون و عرق به دست نمی‌آید.»^۱ آن فروغ ششم در حدیث دیگری هشدار داده‌اند:

... «آزاری را که حضرت قائم، هنگام رستاخیز خویش از جاهلان آخرالزمان می‌بیند، از آن همه رنجی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مردم عصر جاهلیت دید، سخت‌تر است.»^۲ سرانجام خاتم اوصیا، حاکمیت طاغوتها و گمراهان و مروجان خرافه را در هم می‌شکند و زمینه را برای رشد

طاقت‌فرسا تحمل کردند، فضای دنیای اسلام، آلوده شد و مقدمات بی‌دینی و شرک فراهم شد، مشعل عدالت خاموش و جاهلیت جای معرفت و فضیلت را گرفت. بعد از آن همه فساد و تباهی، حضرت امام حسین علیه السلام حماسه‌ای جاوید را بر پا ساخت.

آن امام با اقدامی شجاعانه و تقدیم همه هستی خود، خاندان و یارانش در راه احیای حق و معنویت، پرده از چهره کریه بنی امیه بر افکند و مردمان جهان را بیدار ساخت.

در بینش تشیع، مبارزات دامنه دار حضرت مهدی موعود علیه السلام و ظهور منجی عالم بشریت، آخرین حلقه از حلقه‌های مبارزات معصومان و پاکان علیه اهل باطل است. قائم آل محمد در جهان پُر از آشوب، بیداد و فساد و به دنبال ظهور وقایع و نشانه‌هایی چند قیام می‌کند. آن حضرت برای

۱. بحارالانوار، علامه مجلسی، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۲۵۳.

۲. همان، ص ۳۶۴.

فضیلت، فکر، عقل، علم و ترویج
صدق و صفا فراهم می‌سازد.

امواج جاوید

از عوامل عمده و اساسی پیدایش
انقلاب اسلامی ایران، ارائه مجدد
درک صحیح، دقیق و سازنده از
فرهنگ اسلامی است. مردم در طول
چند دهه تعالی می‌یابند و پرهیزگاران
در اکثریت قرار می‌گیرند، روحیه
جهاد و شهادت به نحو بی‌سابقه‌ای
تقویت می‌شود، پیام عاشورا و
مجالس سوگواری برای خامس آل
عبا در پیشروی و گسترش نهضت
دخالت ویژه‌ای دارد. مردم مسلمان و
شیفته حق، از قیام مراجع و روحانیت
علیه انقلاب سفید، حمایت می‌کنند و
در جریان آن، مرجعیت جدیدی را
می‌پذیرند که رهبری انقلاب اسلامی
علیه رژیم پهلوی و استکبار شرق و
غرب را به عهده می‌گیرد.

در این دوران، انضباط و اطاعت از

رهبری که برخاسته از مذهب است،
به کمال می‌رسد، اتحاد نیروهای
اصیل انقلاب اسلامی به زیان حافظان
رژیم طاغوتی تمام می‌شود، مبارزات
حکیمانه به دست امام خمینی علیه السلام
رهبری و مدیریت می‌شود. تظاهرات
با شکوه و میلیونی و اعتصابهای
عمومی و سراسری سال ۱۳۵۷، اوج
تکامل مبارزات اسلامی و انقلابی را
به نمایش می‌گذارد؛ به گونه‌ای که
محمد رضا شاه پهلوی با مشاهده
یکی از این راهپیمایهای تهران، از
درون بالگرد، اعتراف می‌کند: این
جمعیت هر کاری بخواهد، می‌تواند
بکند.^۱

نهضت امام خمینی علیه السلام از جنس قیام
پیامبران یعنی برخاسته از خودآگاهی
الهی بود. به برکت آن وجدان اسلامی

۱. فلسفه انقلاب اسلامی، جلال الدین فارسی،
انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۱ش،
ص ۳۶۹.

از غفلت و بی خبری دست برداشت و به ارزشهای معنوی راغب شد و روح جمعی که از نور توحید نیرو می‌گرفت، هماهنگ چون رودی خروشان جاری شد و اقیانوسی را پدید آورد که جهان را تحت تأثیر ابهت و صلابت خود قرار داد.

این انقلاب به دلیل آنکه ریشه در آسمان داشت و از قرآن و سنت نبوی و سیره ائمه علیهم السلام مایه گرفته بود و اصلتش با سرشتهای انسانها گره خورده بود، برای هر دو بلوک شرق و غرب وحشتزا و خطر آفرین شد، انقلابی این‌گونه که هیچ رنگی را نپذیرفت، دشمنان و مخالفان را به تکاپو واداشت، آنان به نقشه‌های گوناگون روی آوردند؛ اما فراست رهبری و انسجام امت مسلمان در فرصتهای مختلف، بهترین ضربه‌ها را بر آنان نواخت.

مستکبرین برای دسترسی به یک وضع ثابت و پایدار، با دامن زدن به ترس و هراس ملت‌های دربند، از طریق نهیب و غرش و نشان دادن چنگ و دندان به واکسیناسیون آنها در مقابل بیداری، خیزش و مقاومت! دست‌زده، با طرح یک توطئه مشترک به منظور تقسیم عادلانه منافع کشورها و یغمای دسترنج طبقات محروم و زحمت کش، میان خود، اقدام به ایجاد دو بلوک شرق و غرب نموده، راه خروج ملت‌ها را از این گردونه مخوف و هولناک، سد کرده بودند.

بعد از این توطئه مشترک، در تمامی زد و بندهایی که میان دو ابر قدرت بر سر مطالعات سیاسی، اطلاعاتی، جاسوسی و نظامی صورت می‌گرفت، در نهایت ملت‌ها به بدترین شکل ممکن وجه المصالحه قرار می‌گرفتند. آنان در این حصار ساختگی شیاطین که پایه و اساسی هم نداشت، دچار ناامیدی شده و

آفرین «لا اله الا الله» با انگیزه‌های
ایثارگرانه‌ای چون شهادت‌طلبی،
شجاعت معنوی، استواری و استقامت
مردم در آمیخت و موج آن جهان
اسلام را چنان تحت تأثیر قرار داد که
هیچ قوه و قدرتی یارای برابری با آن
را ندارد. این بارقه ملکوتی می‌تواند
با ایجاد انسجام در بین ملل مسلمان و
احیای اخوت اسلامی و تشکل آنان
حول محور «لا اله الا الله، محمد
رسول الله» زمینه عینی و عملی تحقیق
امت واحده را که قرآن بر آن تأکید
دارد فراهم سازد که خود طلیعه به
وجود آمدن ابر قدرتی با شکوه با
تکیه بر ایمان و مذهب و برخاسته از
اراده جمعی ملت‌های مسلمان و صالح
است.

ناکامی دائمی را به عنوان سرنوشت
محتوم خود پذیرفتند و با این پندار
بی پایه که چاره اندیشی در این
راستا فایده‌ای ندارد و بیهوده است،
در برابر سیاست‌های غارتگرانه شرق و
غرب تسلیم شدند.

انقلاب اسلامی از درون این
گردونه مخوف و هولناک، نقبی به
رهایی زد و استقلال یافت و تمامی
مناسبات ظالمانه را در هم ریخت، و
اکنون ملتها از اینکه چنین حرکتی در
ایران تثبیت شد شادمان هستند. تنها
سلاح نهضت امام خمینی علیه السلام، الله اکبر
بود که در ایام الله عید فطر، تاسوعا،
عاشورا، اربعین و... از نیام ایمان
بیرون آمد و سینه استکبار را هدف
گرفت. سازمان‌های اطلاعاتی و
جاسوسی و تحلیلگران غربی در
مصاف با این آذرخش غافلگیر شده و
از شناسایی آن ناتوان مانده‌اند. نیروی
فوق‌العاده مؤثر تکبیر و ذکر صلابت